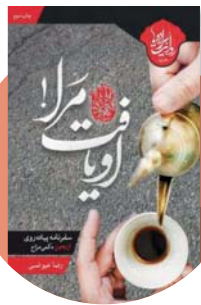


دعا در ایران، اجابت در عراق

«ازحام بوسه» رامی‌توان داستانی برپایه اولین تجربه نرگس مقصودی از زیارت اربعین دانست. با وجود این‌که این سفر در سال‌های اخیر تبدیل به سفری عمومی شده که طیف‌های مختلفی در آن شرکت می‌کردند، اما نویسنده روایت خود را با زبان داستان برای خواننده و مخاطب خود بازگو کرده، زیرا هرکسی از زاویه خودش به رویداد حماسه اربعین نگاه می‌کند و می‌تواند مناظر تازه‌ای را پیش روی چشم مخاطب به نمایش در بیاورد. از آنجا که راوی این کتاب یک خانم است و می‌تواند همین پرتگاهی برای روایت باشد، اما این اتفاق برای کتاب نیفتاده و آن را تبدیل به اثری سانتی‌مانتال نکرده‌است.

این اثر یک روایت حس برانگیز و جالب از این رویداد را بازگو می‌کند، کتاب از شرح چگونگی حرکت در این مسیر برای راوی شروع می‌شود. از آنچه او طلبیده شدن عنوان می‌کند و در ادامه شرحی است پرتعلیق از آنچه بر او برای جمع کردن اسباب و آلات سفر رفته است و فراهم کردن مقدمات مالی و غیر مالی آن. نگاه مقصودی در کتاب و برای شرح سفرش نگاهی داستانی است. گویی شرح روایی اتفاقاتی که بر او رفته و سعی کرده به آن نمک و نگاه داستانی ببندد و برای مخاطب روایتی جذاب‌تر از یک گزارش صرف از آنچه دیده‌است بر جای بگذارد.

نکته دیگر درباره این متن دور شدن آن از اطناب و تفسیر و توصیف‌های بیجا یا به شدت عاطفی و مصنوعی در کتاب است. مقصودی در کتاب خود



به خوبی تصویری جذاب از خود روایت کرده‌است، خودی که به فکر این سفر نبوده و برای آن نیت و طلبی در مشهد مقدس می‌کند و دعایش در نهایت مستجاب می‌شود و او راهی سفر. این کتاب از این منظر برای ردیابی لایه‌های معرفتی پیچیده در تار و پودش نیز اثری در خور توجه و خواندن است و می‌تواند برای مخاطبش ره‌توشه‌ای از این جنس نیز مهیا کند.

مردم‌شناسی در طریق

محمد آقاسی یادآور نام مرحوم محمدرضا آقاسی شاعر اهل بیت (ع) است. او در سفرنامه‌ای که با عنوان «دلت به عشق مبتلا شد» شرحی مختصر از سفر خود به کشور عراق بازگو کرده‌است؛ سفری که بیش از هر چیز نمایشی است از تسلیم و شوق و شگفتی موجود در این سفر و سرزمین. مهم‌ترین ویژگی این کتاب اما نه شرح این سفر که نگاه خاص مردم‌شناسانه مؤلف در تدوین متن سفرنامه است.

نویسنده سعی کرده در هر بخش از کتاب گزارشی کوتاه و در عین حال دقیق از رفتارهای اجتماعی و فردی مردم حاضر در این سفر ارائه کند؛ گزارشی که به تایید او نوعی پدیده‌شناسی از راهپیمایی عظیم اربعین حسینی است. آقاسی برای رسیدن به این روایت سعی کرده از متن سفر که تجربه عمومی همه مردم حاضر در آن است خود را رها کرده و به حاشیه‌های جذاب کمتر تجربه و دیده‌شده در آن دقیق شود.

حاشیه‌هایی که او به آن توجه دارد شامل گزارشی از رفتارهای مردمی و نیز اتفاقات اجتماعی است که در حاشیه این سفر در حال اتفاق است و برای او از همان ابتدای سفر و در راه رسیدن به فرودگاه آغاز و تا پایان سفر ادامه پیدا می‌کند. آقاسی در این گزارش در قامت مکتوب



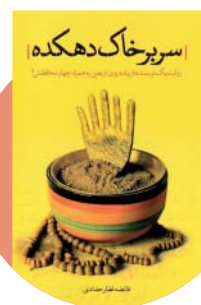
ساختن تجربه این سفر سعی می‌کند تاجای جای این سفر را به عنوان یک پدیده اجتماعی ببیند و در نتیجه اجزای مختلف این سفر اعم از چگونگی سفر، پیمودن مسیر، مواجهه با ایرانی‌ها و عراقی‌ها و رفتارهای آنها همگی در حکم اجزای سازنده یک کل برای وی عمل می‌کنند.



تجربه‌هایی از اروپا تا عراق

فائزه غفارجادی را با کتاب‌هایی مانند «خط مقدم»، «دهکده خاک بر سر» و حتی «یک محسن عزیز» می‌شناسند که تجربه نوشتن مشاهدات خود در سفر را نیز دارد و برای دومین مرتبه در کتاب «سر بر خاک دهکده» دست به همین کار زده و سفرنامه‌ای از سفر اربعین را برای مخاطب تدوین کرده‌است. غفارجادی که نشرش در سفرنامه قبلی اش هم حاوی شوخی و طنز بود در این کتاب هم دست از شوخی برنداشته و سعی می‌کند این سفر معنوی را با چاشنی طنز همراه کند

و روایتش را از زاویه مادر و همسر برای مخاطب بازگو کند. او از دل تاریخ، اتفاقات را بیرون می‌آورد و آن را به لحظات سفرش پیوند می‌زند از مقوله صف و انتظار گرفته تا پیاده‌روی و حرکت در طریق و رسیدن به مقصد. البته غفارجادی تلاش می‌کند خیلی از کادر بیرون نزند برای همین فرازهایی از روایتش به قدری درجه معنویتش بالا می‌رود که خواننده باور نمی‌کند این همان راوی چند صفحه عقب‌تر است که از هر چیزی سوژه‌ای برای شوخی و طنز درست کردن می‌ساخت. غفارجادی در این سفرنامه به مقایسه عراق با کشورهای اروپایی که تجربه سفر به آنها را دارد نیز می‌پردازد و از این رهگذار تجربیاتش را با خواننده‌اش در میان می‌گذارد.



خرده‌روایت‌های یک شاعر

«از این ستون به آن ستون» را می‌شود روایت یک شاعر از راهپیمایی اربعین دانست. هرچند ما سفرنامه منظوم (به صورت شعر) هم در میان سفرنامه‌های اربعین داریم، ولی این کتاب سفرنامه نثر یک شاعر است. محمدرضا وحیدزاده در این کتاب حاصل تجربه‌های تلخ و شیرین و غریب و آشنای خود را از چندین سفر پربرکت پیاده‌روی اربعین گرد آورده و با نقل‌شان در قالب خاطراتی پرحلاوت، آنها را با مخاطبان خود سهیم شده‌است. مخاطب در این کتاب، ضمن موقعیت‌های مختلف و در خلال صحنه‌های گوناگون، همسفر راوی کتاب می‌شود و گام به گام با او، آنچه را در منازل مختلف این سفرها بر نویسنده کتاب رفته، به تماشا می‌نشیند. نکته جالب توجه در این اثر موقعیت‌های مختلف راوی در این خرده‌روایت‌هاست. او گاه در مقام خادم و گاه در مقام مهمان، گاه در نقش مسؤول کاروان و گاهی در موقعیت فعال فرهنگی، گاه به عنوان ناظر و گاهی در جایگاه موضوع روایت‌ها حضور دارد و این گونه زاویه‌های دید، بر شیرینی این خاطرات برای مخاطبان اثر افزوده‌است.

